

## "ولایت فقیه" از دیدگاه مقام معظم رهبری

معصومه رامشینی<sup>۱</sup>

### چکیده

ولایت فقیه، حاکمیت و ولایت مجتهد جامع الشرایط است که این ولایت و حاکمیت مخصوص دوران غیبت بوده و شعبه‌ای از ولایت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) است؛ به این معنا که حاکمیتی را که مجتهد جامع الشرایط در عصر غیبت عهده‌دار است و از آن به ولایت فقیه تعبیر شده، چیزی جدای از حکومت رسول‌الله (صلی‌الله علیه و آله) و امامان معصوم در عصر خودشان نیست و با همان سازوکار و به‌سوی همان هدف حرکت کرده است و این اصل که مبنای نظریه حکومت اسلامی در عصر غیبت است، نقش محوری در هدایت و مدیریت جامعه اسلامی بر اساس احکام الهی و ارزش‌هاست. از دیدگاه مقام معظم رهبری، ولایت فقیه جزء واضحات فقه اسلامی و اعتبارات عقلایی و جزء روشن‌ترین و قابل‌دفاع‌ترین نظریه‌هاست که در همه ادوار شیعه، فقهای بزرگوار آن را به‌عنوان یکی از مسلّمات فقه اسلامی می‌شناختند؛ اما فرصت تحقق این مسئله را پیدا نکردند؛ ولی در شمار چیزهایی که همواره و در همه زمان‌ها به آن اعتقاد داشتند لزوم بازگرداندن حاکمیت جامعه به محور الهی آن؛ یعنی فقیه بوده است، از نگاه ایشان علم و تقوا از ضابطه‌های اصلی ولایت فقیه است. هدف از انجام این تحقیق شناخت ولایت فقیه از دیدگاه مقام معظم رهبری است و روش جمع‌آوری داده‌ها به‌صورت توصیفی-تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: رهبر، فقیه، معظم، ولایت، ولایت فقیه

---

<sup>۱</sup> طلبه سطح ۲ حوزه علمیه فاطمیه (سلام‌الله‌علیها) شهرستان پاکدشت

## مقدمه

مسئله ولایت و مدیریت جوامع بشری امری است که از اول خلقت، هم زمان با خلقت حضرت آدم (ع) شروع شده و هیچ پیامبری جدای از مسئله ولایت و وظیفه مدیریت جامعه نبوده است. اساساً همه ادیان الهی، ولایت امر و پیشوایی مطلق و حقیقی را از آن پیامبران و اوصیای آنان می‌دانسته‌اند. از دیدگاه مقام معظم رهبری، اساسی‌ترین مسئله دین، مسئله ولایت است؛ ولایت یعنی حکومت خدا، چیزی که در جامعه اسلامی متعلق به خداست و از خدای متعال به پیامبر و از او به مؤمنین می‌رسد. از نگاه ایشان ولایت یعنی حکومت الهی که هیچ اثری از خودپرستی، سلطنت و اقتدار خودخواهانه در آن وجود ندارد. ایشان معتقد است ولایت‌فقیه در رهبری جامعه اسلامی و اداره امور اجتماعی ملت اسلامی در هر عصر و زمان، از ارکان مذهب حقه اثنی‌عشری است که ریشه در اصل امامت دارد.

درباره ولایت‌فقیه تاکنون مقالات و کتاب‌های زیادی نوشته شده است؛ از جمله "ولایت‌فقیه" نوشته آقای محمدمهدی معرفت که ایشان به تبیین ولایت‌فقیه از زوایای مختلف پرداخته است؛ ولی مقاله حاضر علاوه بر آن به تبیین و بررسی ولایت‌فقیه بنا بر دیدگاه مقام معظم رهبری می‌پردازد. باتوجه به اینکه اکثر مردم خصوصاً جوانان با واژه ولایت‌فقیه آشنا هستند؛ ولی از جزئیات آن بی‌اطلاع‌اند و از طرفی ترویج شبهات متنوع در این باب از سوی دشمنان و بدخواهان ولایت‌فقیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی و ایجاد شبهه در بحث حدود و اختیارات ولی‌فقیه و اینکه قصد دارند چهره‌ای غیرمنطقی و مستبدانه از او ارائه دهند، تحقیق و پرداختن به این بحث بسیار بااهمیت است.

این تحقیق به شیوه توصیفی نوشته شده و در پی پاسخ به این پرسش است که ولایت‌فقیه از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست و اهداف آن بررسی ولایت‌فقیه در آیات و روایات، تبیین ولایت‌فقیه و جایگاه فقیه در حکومت اسلامی و بررسی نقش مردم در حکومت اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری است که بر اساس بیانات معظم له مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۱- مفهوم شناسی

قبیل از پرداختن به اصل بحث، بیان مفاهیم کلیدی پژوهش و تعریف آنها ضروری است؛ لذا به این مفاهیم پرداخته می‌شود.

**۱-۱. ولایت؛** این کلمه یک کلمه عربی است که از ریشه (ول.ی) گرفته شده است. معانی عمده آن، دوستی، یاری، اقتدار یا قدرت است. ولایت با کسر حرف (و)، یاری کردن است اما ولایت با فتحه حرف (و)، سرپرستی است و نیز گفته شده هر دو واژه حقیقتش سرپرستی است که کاری را بر عهده می‌گیرد<sup>۱</sup> و همچنین گفته شده واژه ولایت به مفهومی که در لغت و عرف رایج به کار می‌رود، مترادف واژه‌هایی مانند امارت، حکومت، زعامت و ریاست می‌باشد، ولایت به معنای امارت درباره کسی گفته می‌شود که به خطه‌ای حکمرانی کند و به منطقه‌ای که زیر پوشش حکومت اوست نیز ولایت و امارت می‌گویند. ولایت به معنای حکومت در مواردی به کار می‌رود که سلطه سیاسی و حکومت اداری مقصود باشد. واژه ولایت در اصطلاح به معنای سرپرستی و احاطه داشتن بر فرد یا افراد معین است و در حقیقت بیانگر نوعی حق دخالت و اعمال نظر در امری برای شخصی خاص است. ولایت به معنای قیومیت، مفهوماً و ماهیتاً با حکومت و حاکمیت سیاسی متفاوت است، زیرا ولایت حق تصرف ولی امر در اموال و حقوق اختصاصی "مولی علیه" است که به جهتی از جهات؛ از قبیل عدم بلوغ و رشد عقلانی، دیوانگی و غیره از تصرف در حقوق و اموال خود محروم است در حالی که ولایت به معنای حکومت و حاکمیت سیاسی به معنای کشور داری و تدبیر حکومتی است و این مقامی است که باید از سوی شهروندان آن مملکت که مالکین حقیقی مشاع آن کشورند به شخص یا اشخاصی که دارای صلاحیت و تدبیرند واگذار شود.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup> راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قران، جلد ۳، بخش ۳، ص ۴۸۹

<sup>۲</sup> الهی، ولایت‌فقیه حکومت دین و دموکراسی، ص ۱۴۷

**۱-۲. فقیه؛** واژه فقه مشتق شده و فقه در لغت به معنای دانستن و فهمیدن چیزی.<sup>۱</sup> واژه فقه اخصّ از علم است. (ف.ق.ه) اصل ریشه لغت است که دلالت بر ادراک شیء و علم به آن دارد. واژه فقه بر علم دین اطلاق شده است؛ چنان که واژه نجم به ثریا یعنی ستاره پروین. فقه علم به احکام شریعت است. فَقَّهَ الرَّجُلُ فِقَاهَهُ: وقتی است که شخصی فقیه شود. تَفَقَّهَ: وقتی است که کسی فقه را بخواند و دنبال کند و در آن تخصص یابد.<sup>۲</sup> فقیه در اصطلاح علوم اسلامی به معنای مجتهد و متخصص در علم فقه به کاررفته است؛ بنابراین فقیه به کسی می‌گویند که قادر به استنباط احکام شرعی فرعی از منابع فقه اسلامی؛ مانند قرآن، سنت، اجماع و عقل، باشد. همچنین واژه فقیه در لغت به معنای کسی است که فهمی عمیق و دقیق دارد.<sup>۳</sup> فقهاء: ج فقیه، دانشمندان علم شریعت، فقیه: دانا، عالم علم دین.<sup>۴</sup> فقیه صفت مشبه یا صیغه مبالغه است؛ به معنای کسی است که دارای فهم با تأمل بوده و شکافنده موضوع است. فقه و فقیه از نظر لغوی همه‌جا با تعمق و فهم عمیق است. فقیه کسی است که نسبت به احکام شریعت از طریق دلایل تفصیلی (اجتهاد) علم دارد.<sup>۵</sup>

**۱-۳. ولایت فقیه؛** در زبان فارسی برای لفظ "ولی" معانی متعددی از قبیل: دوست، یار، صاحب، حافظ، آن که از جانب کسی در کاری تولیت دارد و برای ولایت معنای حکومت کردن بیان شده است هنگامی که لفظ ولایت در مورد فقیه به کار می‌رود مراد از آن همان حکومت و زمامداری امور جامعه است<sup>۶</sup> و همچنین فقیه به آن کسی می‌گویند که اسلام را کامل می‌شناسد، پس ولایت فقیه یعنی حکومت دین‌شناسان، اسلام‌شناسان، صاحب‌نظران در اندیشه اسلامی.<sup>۷</sup> برخی در این معنا وجود مفهوم آقایی، ریاست و سلطنت را ادعا کرده‌اند که بیانگر چیرگی ولی بر مولی علیه را دارد؛ درحالی که مقصود از آن، سرپرستی امور مولی علیه و اداره شئون اوست که به مثابه «سید القوم خادمهم» نوعی

<sup>۱</sup> دهخدا، لغت‌نامه، جلد ۱۱، ص ۱۷۱۹۲

<sup>۲</sup> راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قران، جلد ۳، بخش ۲، ص ۸۳-۸۲

<sup>۳</sup> سلیمیان، درس‌نامه مهدویت، ص ۲۴۲

<sup>۴</sup> دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۱، ص ۱۷۱۹۳

<sup>۵</sup> منصورنژاد، دین و دولت در اسلام، ص ۴۶

<sup>۶</sup> هادوی تهرانی، ولایت و دیانت. ص ۶۴

<sup>۷</sup> صهبا، ولایت و حکومت. ص ۲۶۸

خدمت به مولی علیه و نه باری برگردی او است. از سوی دیگر ولایت در مصطلحات فقهی در دو مورد به کار رفته است؛ ۱- مواردی که مولی علیه قادر بر اداره امور خود نیست مانند؛ میت، سفیه، مجنون، صغیر، در این گونه موارد ولایت به معنای قیمومیت و سرپرستی است و ملاک آن ناتوانی مولی علیه در اداره امور شخصی خود است. ۲- مواردی که مولی علیه قدرت بر اداره امور خود را دارد در عین حال اموری وجود دارد که سرپرستی و ولایت شخصی دیگر را می طلبد. ولایت در اینجا به معنای اداره امور جامعه است که همان ولایت سیاسی است. منظور از ولایت فقیه اصطلاح دوم است.<sup>۱</sup>

#### ۴-۱. رهبر؛ رهبر از دو کلمه «راه و بر» به معنای سالار کاروان، سرگروه، راه‌بلد، مسئول راهبردی

یک کار، بزرگ‌تر، سر تیم، سرپرست، فرمانده و... است. رهبری به معنای دلالت، هدایت، راهنمایی و ارشاد، و رهبری کردن یعنی هدایت کردن و ارشاد کردن.<sup>۲</sup> معنای لغوی رهبری یعنی رهیابی، راه‌گشایی، راهنمایی کردن انسان‌ها و پیش‌گامی به سوی اهداف خاص که در عمل از طریق نفوذ در دیگران و تغییر رفتار آن‌ها در جهت مورد نظر امکان پذیر است. شهید مطهری در تعریف رهبری می‌فرماید: رهبری فن بهتر بسیج کردن، بهتر سامان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کار بردن آنهاست. رهبر باید مهارت‌های فنی، مهارت انسانی و مهارت ادراکی را دارا باشد. جلوه‌های رهبری شامل رهبری مذهبی، سیاسی، علمی و فلسفی و سازمانی است. همچنین رهبر به معنای امام، پیشوا، راهنما، زعیم، سلسله‌جانبان، قیادت، مقتدا و هادی است و در جمهوری اسلامی ایران، رهبر به بالاترین مقام کشور گفته می‌شود.<sup>۳</sup>

۵-۱. معظم؛ بزرگ شده، بزرگ شمرده شده، کسی که او را بزرگ می‌شمارند. معظم<sup>۴</sup> له: بزرگ داشته، مورد تعظیم.<sup>۴</sup> همچنین معظم به معنای کبیر، عظیم و محترم.<sup>۵</sup> کلمه معظم در زبان عربی از ریشه «عظم» گرفته شده است که به معنای بزرگی عظمت و شکوه است. در لغت «معظم» به معنای بسیار

<sup>۱</sup> هادوی تهرانی، ولایت و دیانت، ص ۶۶-۶۵

<sup>۲</sup> دهخدا، لغت‌نامه، جلد ۸، ص ۱۲۴۳۷

<sup>۳</sup> دیکشنری آنلاین آبادیس

<sup>۴</sup> عمید، فرهنگ عمید، جلد ۲، ص ۱۸۲۷

<sup>۵</sup> سعیدی، فرهنگ تاج المعاجم. ص ۸۱۴

مردم دانسته و اختیاراتش را در چهارچوب هنجارهای عرفی تحلیل کرده‌اند و در مقابل، اغلب مردم، فقیه را مجری احکام الهی هم دانسته‌اند.

قانون اساسی نیز در اصل ۵، ۷۵ و ۱۰۷ به این امور اشاره دارد. بر مبنای نظریه نصب، ولایت فقیه در حقیقت ادامه حکومت معصوم است که از اختیارات عرصه حکمرانی، نهاد و یا اقتدار کمتر برخوردار نیست. از دیدگاه مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و شورای بازنگری قانون اساسی، تمامی قوا و نهادها لازم است به نحوی به ولی فقیه منتسب باشند تا مشروعیت تأسیسی و کار کردی داشته باشند.<sup>۱</sup>

### **۵-۳. نقش مردم در حکومت اسلامی؛ ایده جمهوری اسلامی بر اساس تفکر سازگاری میان**

حکومت دینی و مشارکت مردمی شکل گرفت. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وجوه مدنی حکومت با وجوه دینی آن در الفت و سازگاری به سر می‌برند و گمان دست اندرکاران تدوین آن و در رأس همه، بنیانگذار جمهوری اسلامی چنین بوده که مشارکت مردمی و وجوه مدنی حکومت، جا را برای حاکمیت دین و التزام به تعالیم شرع تنگ نمی‌کند.<sup>۲</sup> حکومت اسلامی به معنای واقعی کلمه، یک حکومت مردمی است. در صدر اسلام، حکومت پیغمبر تا مدتی بعد از رحلت پیغمبر، حکومت جامعه اسلامی حکومت مردمی بود، در دوران امیرالمومنین (ع) مردم در صحنه حکومت به معنای واقعی دخالت داشتند، نظر می‌دادند، رای می‌دادند، تصمیم می‌گرفتند و حق مشورت که قرآن پیغمبر را به آن امر کرده است، متعلق به مردم بود «و شاورهم فی الامر»<sup>۳</sup> مردم حق دارند که با آنها مشورت بشود. بنابر این اگر حکومتی ادعا می‌کند که مردمی است، باید مردم در آن نقش داشته باشند. در حکومت اسلام، مردم در تعیین شخص حاکم، دارای نقش و تاثیرند.<sup>۴</sup>

### **۵-۴. حقوق متقابل مردم و حکومت؛ ادعای اسلام این است که آنچه به عنوان حکومت و دستگاه**

اداره کننده جوامع در میان مردم وجود دارد، وظایفی دارد که یک قسمت مربوط به وظایف معنوی

---

<sup>۱</sup> غمامی، سیدی، تحلیل نظام تفکیک قوای عرفی در ساختار ولایت فقیه، ص ۱۷

<sup>۲</sup> محمد بیگی، از ولایت فقیه تا جمهوری اسلامی، ص ۳۱۲

<sup>۳</sup> آل عمران: ۱۵۹

<sup>۴</sup> صهبا، ولایت و حکومت، ص ۱۵۴

است؛ مانند سواد آموختن به مردم، شکوفا کردن استعدادهای مردم، بالا بردن تربیت‌های مردم، مردم را با اخلاق اسلامی آشنا کردن، نوع دوم، راجع به زندگی روزمره مردم و زندگی مادی آنهاست که وظایفی بر عهده حاکم اسلامی و دولت اسلامی است؛ مانند اداره امور رفاهی مردم، اداره امنیت مردم، تنظیم دستگاه‌های کارآمدی برای رسیدگی به کارهای مردم، تشکیلات اداری منظم و صحیح کارآمد. نوع سوم در رابطه با وظایفی است که در رابطه با جهان، جامعه بر عهده حاکم اسلامی گذاشته است؛ یعنی سر بلند کردن ملت در دنیا، رساندن پیام ملت به همه مردم جهان که اینها مربوط به سیاست خارجی است. این وظایفی که بر عهده حاکم اسلامی است از عهده هیچ حکومتی ساخته نیست مگر با کمک خود مردم، در هیچ جهتی یک حکومت جدای از مردم نمی‌تواند کار بکند. در جهاد، در سازندگی، در اداره امور مالی کشور، در اداره امور اداری کشور، در هیچ بخشی از بخش‌ها نمی‌تواند بدون کمک مردم، دولت اسلامی این کارها را انجام بدهد. در حکومت اسلامی، مقررات و قوانینی که دستگاه حاکم برای مردم وضع می‌کند، واجب‌الاطاعه است و مردم موظف هستند که قوانین را اجرا کنند و برای مردم لازم است که گوش به زنگ باشند که دولت اسلامی از آنها چه می‌خواهد. حکومتی که مردم حرف او را گوش ندهند و فرمان او را اطاعت نکنند و قوانین او را لازم‌الاجرا ندانند، هرج و مرجع می‌شود و از بین می‌رود.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> صهبا، ولایت و حکومت، ص ۲۲۲ - ۲۱۷

## ۶- نتیجه گیری

این نوشتار با عنوان ولایت فقیه از دیدگاه مقام معظم رهبری است. حکومت اسلامی به عنوان نظامی مبتنی بر ارزش‌های الهی و آموزه‌های دینی، نیازمند ساختاری است که بتواند جامعه را در مسیر تحقق عدالت، معنویت و پیشرفت هدایت کند. در این میان اصل ولایت فقیه به عنوان ستون اصلی نظام، دارای جایگاه ویژه‌ای است که مسئولیت رهبری و نظارت بر امور جامعه را بر عهده دارد. در بررسی آیات قرآن دریافتیم که آیات زیادی بر ولایت داشتن فقیه به معنای وسیع آن دلالت می‌کند و پیروی از پیامبر و اولی الامر فی نفسه، گردن نهادن به اوامر آنان به عنوان زمامدار است. همچنین روایات زیادی در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت. همچنین اثبات ولایت فقیه به دو دلیل عقلی و نقلی و بررسی پیشینه تاریخی ولایت فقیه که فقهای بزرگ شیعه از مرحوم شیخ مفید در قرن چهارم و پنجم تا امام خمینی (ره) در عصر ما، همه اتفاق نظر داشتند که در فرهنگ شیعی، اداره جامعه در عصر غیبت بر عهده ی فقیهان عادل گذاشته شده و تشکیل حکومت در زمان غیبت نه تنها جایز بلکه واجب است و حدود اختیارات فقیه همان حدود و گستره فقه در زندگی بشر است و اختیارات حاکم اسلامی، اختیارات وسیعی است. مقام معظم رهبری به عنوان یکی از برجسته‌ترین نظریه پردازان در حوزه ولایت فقیه، نگاه عمیق و جامعی به این موضوع دارد که معتقد هستند نظریه مردم سالاری در کنار نظریه ولایت مطلقه فقیه از نظریات مطرح شده مربوط به حکومت اسلامی در عصر غیبت است و حکومت اسلامی حکومت قانون است و ولی فقیه با آنکه اختیارات زیادی دارد ولی هرگز نمی‌تواند از جاده حق و عدالت خارج شود.

با توجه به اهمیت موضوع پیشنهاد می‌شود که در این زمینه اقدامات فرهنگی صورت گیرد. برگزاری جلسات سخنرانی به مناسبت‌های مختلف با موضوع فلسفه و کارکردهای ولی فقیه و تشویق و ترغیب افراد به مطالعه در این زمینه. پیشنهادات تحقیق شامل پیشنهادات کاربردی و پژوهشی است:

پیشنهادهای کاربردی شامل: ۱- برگزاری جلسات پرسش و پاسخ (کرسی‌های آزاد اندیشی) با حضور افراد متبحر ۲- تشکیل گروه‌های مطالعاتی و بحث و بررسی ۳- استفاده از شیوه‌های هنری، تهیه فیلم، نمایش و... . پیشنهادات پژوهشی شامل تحقیق و بررسی درباره شبهات: ۱- اصل نظریه ولایت فقیه ۲- ساختارها و نهادهای موجود در جمهوری اسلامی ۳- شبهات درباره کارکردها و ساختارها

## ۷- منابع

※قرآن کریم

※نهج البلاغه، ترجمه محمد مهدی فولادوند

### الف) کتاب‌ها

- ۱- الهی، منصور، ولایت فقیه حکومت دینی و دموکراسی، قم: انتشارات استاد مطهری، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه.ش
- ۲- امام خمینی، شئون و اختیارات ولی فقیه، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ه.ش
- ۳- پژوهشکده تحقیقات اسلامی، اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری (مجموعه مقالات)، قم: نشر زمزم هدایت، چاپ اول، بی تا
- ۴- جمعی از نویسندگان، بانک جامع مقالات ولایت فقیه و حکومت اسلامی، ناشر مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰ ه.ش
- ۵- حسینی بهارانچی، سید محمد، دفاع از مقام ولایت، اصفهان: ناشر حوزه علمیه اصفهان مرکز مدیریت، چاپ اول ۱۳۹۲ ه.ش
- ۶- خامنه‌ای، سید علی، رساله اجوبه الاستفتاءات، تهران: نشر الهدی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۶ ه.ش
- ۷- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ه.ش
- ۸- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، مترجم: سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ه.ش
- ۹- سعیدی، سعید، فرهنگ تاج المعاجم (فارسی عربی)، قم: نشر ادیان، چاپ اول، ۱۳۸۵ ه.ش
- ۱۰- سلیمیان، خدامراد، درسنامه مهدویت، قم: ناشر بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۶ ه.ش
- ۱۱- صهباء، ولایت و حکومت، قم: انتشارات ایمان جهادی، چاپ اول، ۱۳۹۱ ه.ش
- ۱۲- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۴ ه.ش

- ۱۳- منصورنژاد، محمد، **دین و دولت در اسلام**، ناشر مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، بی تا
- ۱۴- نصرتی، علی‌اصغر، **نظام سیاسی اسلام**، قم: مرکز نشرهاجر، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ ه. ش
- ۱۵- هادوی تهرانی، مهدی، **ولایت و دیانت**، قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد، چاپ دوم ۱۳۸۰ ه. ش

#### ب) نشریه

- ۱- اشرفی، اکبر، علیزاد سیلاب، قدسی، "ولایت فقیه در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای"، نشریه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، شماره ۴، سال ششم، زمستان ۱۳۹۵ ه. ش
- ۲- حیدری، علی جان. حسنی، سید محمدهادی. رحیمی، عبد‌الکریم، "ضرورت اهداف و کارویژه‌های حکومت اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای"، نشریه افق‌های نو در فقه سیاسی، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ ه. ش
- ۳- غمامی، سید محمدمهدی. سیدی، سید امیر حسین، "تحلیل نظام تفکیک قوای عرفی در ساختار ولایت فقیه"، نشریه فقه حکومتی، شماره ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ه. ش
- ۴- محمد بیگی، کلثوم، "از ولایت فقیه تا جمهوری اسلامی"، نشریه مطالعات راهبردی علوم انسانی، شماره ۴۳، بهار ۱۴۰۱ ه. ش
- ۵- مزینانی، محمد صادق، "ولایت فقیه از دیدگاه شیخ انصاری"، نشریه فقه، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۳ ه. ش
- ۶- معرفت، محمد هادی، "ولایت فقیه"، نشریه مکاتبه و اندیشه، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۸۱ ه. ش
- ۷- معینی پور، مسعود. عبدالله نسب، محمدرضا، "رابطه ولایت و جمهوریت در اندیشه سیاسی"، نشریه سیاست متعالیه، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۵ ه. ش